

## علامه طباطبایی بزرگترین قرآن پژوه عصر ماست

یک عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان با بیان اینکه علامه طباطبایی بزرگترین قرآن پژوه عصر ماست، گفت: یکی از کاملترین و یا کم نقص ترین تفاسیر ما تفسیر المیزان است.



یک عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان با بیان اینکه علامه طباطبایی بزرگترین قرآن پژوه عصر ماست، گفت: یکی از کاملترین و یا کم نقص ترین تفاسیر ما تفسیر المیزان است.

دکتر مصطفی عباسی مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان در مورد جایگاه علامه طباطبایی در تفسیر قرآن به مهر گفت: قطعا علامه طباطبایی بزرگترین قرآن پژوه عصر ماست و به خصوص در عرصه تفسیر قرآن، می توان او را سرآمد همه مفسران جدید دانست. در قرنهای اخیر چه در اهل سنت و چه در میان تشیع، مفسری به عظمت و عمق بینش تفسیری علامه طباطبایی مشاهده نمی کنیم و این مطلبی است که با گذشت زمان بیش از پیش روشن می شود.

وی افزود: وقتی که دقت و مطالعه بیشتری در تفسیر المیزان و سایر برداشتهای قرآنی و تفسیری علامه داشته باشیم، بیشتر متوجه می شویم چه گوهرهای نابی از معارف الهی توسط ایشان کشف شده و روز به روز محققین قرآنی به این موضوع بیشتر می رسند. البته باید توجه داشت که هیچ تفسیری کامل نیست و قطعا تفسیر این بزرگوار هم کامل نیست، اما یکی از کامل ترین و یا کم نقص ترین تفاسیر ما تفسیر المیزان است.

این کارشناس علوم قرآنی در ادامه سخنانش اظهار داشت: این اهمیت به خاطر این است که علامه طباطبایی توانست فارغ از گرایشها و اندیشه های خاص مذهبی، طایفه ای و شرایطی که زمانه بر انسان حاکم می کند به تفسیر بپردازد، در تفسیر قرآن به خود آیات مراجعه کند و آیات را با یکدیگر بسنجد و با روش قرآن به قرآن و مراجعه به حدیث این دریافتها و برداشتهای ناب خودش را از بطن معارف قرآن بگیرد.

مشاور قرآنی معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها تصریح کرد: نکات مهمی که در تفسیر و روش تفسیری علامه طباطبایی وجود دارد؛ یکی تأکید بر تفسیر قرآن بر قرآن همراه با مراجعه به حدیث است، یعنی ایشان در عین حال که تأکید دارند که ابتدا باید قرآن را با قرآن تفسیر کرد، اما در عین حال مراجعه به حدیث و روایت را منافی و مخالف با این روش نمی داند و به خوبی از آنها استفاده می کند. با روح استناد به تفسیر و روش سنت استناد به تفسیر که در روش تفسیر ایشان خیلی برجسته و محکم می بینیم همان طور که استناد ایشان در تفسیر آیات خیلی زیاد است و قابل توجه است.

نویسنده کتاب «171؛ اسوه های قرآنی و شیوه های تبلیغی آنان» بیان کرد: نکته دوم در روش کار علامه این است که با روش تفسیری قرآن به قرآن، رهنمود عملی و راهکار عملی برای تدبر در قرآن به همه ما می دهد، یعنی ما از جانب آیات قرآن موظف به تدبر در قرآن هستیم و بهترین راه تدبر در قرآن همان روش قرآن به قرآن است که علامه طباطبایی در تفسیر خود مبنا قرار داده است، یعنی مراجعه به آیات مختلف مرتبط با یک موضوع و سعی در برداشت و دریافت هرچه بیشتر و عمیقتر و گسترده تر معارف الهی؛ اگر این موضوع را سرلوحه خود قرار دهیم چه در عرصه محققین و پژوهشگران و چه در عرصه عمومی شاهد تحولاتی خواهیم بود.

عباسی مقدم تأکید کرد: البته نتیجه قاعدتا یک حکم فقهی و یا یک فتوای رساله ای نخواهد بود، بلکه یک برداشت از قرآن خواهد بود که می تواند انسان را در زندگی یار و یاور باشد و البته هر کسی در مسائل کلان و حساس زندگی خودش تابع مرجع تقلید و فقیه جامع شرایط است اما اینکه می گویند ما از علامه طباطبایی روش تدبر در آیات و روش نگاه جامع و همه جانبه به آیات را یاد می گیریم و این لازمه انس با قرآن است؛ اگر می خواهیم افراد و جامعه ای داشته باشیم که علاوه بر تلاوت، تدبر در قرآن داشته باشند.

نویسنده «171؛ جلوه های تربیت و تبلیغ درسیره پیامبر اعظم (ص)» گفت: علامه طباطبایی در مباحث تفسیری به اکثر جوانب زیبایی و عمق کلام قرآن توجه دارند. هم لغت شناسی دارند و هم گاهی به جنبه های بلاغی آیات توجه دارند و هم به جنبه های تاریخی آیات و ارتباط بین سوره ها و همچنین نگاه حدیثی و روایی به آیات دارند و سعی می کنند اگر دیدگاه های مختلفی در این باره وجود دارد بیان کنند و جوابگو باشند.

وی افزود: مهمتر از همه نگاه به جلو، و تحولات روز و نیازهای جدید جامعه و نیازهای جدید جامعه (فکری، اجتماعی، راهبردی) است. وقتی تفسیر ایشان را نگاه می کنیم مملو از نگاه راهبردی و رو به جلو و حل معضلات و مشکلات فکری و اعتقادی وجود دارد. اینها، مزیت های بزرگی است که در المیزان دیده می شود.

وی در پایان سخنانش اظهار داشت: علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر تأکید می کند دیدم که مفسران مختلف، مکتبها، تخصصها و

گرایشهای فکری خود را بر قرآن تحمیل کردند و آیات قرآن را براساس گرایشهای علمی و طایفه ای خودشان تطبیق کردند. بنابراین می خواهد بگوید من سعی کردم این کار را نکنم و اتفاقاً این سعی و تلاش آشکار است. بنابراین در عین حال اصطلاحات، جملات و مطالب فلسفی و عرفانی و بیانات عرفانی و فلسفی در المیزان دیده می شود، اما به هیچ وجه کسی را قانع نساخته که تفسیر ایشان یک تفسیر فلسفی و عرفانی است